

توبه رفسنجانی از فراخوان تروریستی خود

نه، در بیرون پنج تا آمریکایی را، یا انگلیسی را، یا فرانسوی را بکشند، اعدام نکنند، این قتلها را آنها تکرار نمی کنند. اینها، آمریکایی کشتن و فرانسوی کشتن که مشکل نیست. اسرائیلی کشتن یک مقداری مشکل است. اسرائیلی ها نیستند، آمریکایی ها ریخته اند در سراسر دنیا. همه شان هم مثل هم اند... به خدا اگر شما از امروز اعلام کنید که از این به بعد همه منافع آمریکا را در سراسر دنیا به خطر می اندازید، هواپیما می رابایید، نترسید، بله می رابایید. چطور او خانه را به سر همه خراب می کند و حشمت ندارد. یک مهاجر فلسطینی هواپیما را بردارد بگوید زندانی مرا آزاد کنید من این را آزاد می کنم... امروز آدم یک سنگی توی دستش باشد پرتاب بکند، همین جوری پرتاب بکند لااقل پنجاه درصدش به اینها می خوره... حالا خواهند گفت که فلانی به عنوان یک مسئول، یک رئیس پارلمان، مقام رسمی دعوت به ترور و اینها کرده. این از فردا شروع می شود این تبلیقات بقیه در صفحه ۳

هاشمی رفسنجانی، رئیس مجلس خمینی یک هفته پس از صدور فتوای تروریستی و ارائه رهنمود به فلسطینی ها دایر بر کشتار اهالی کشورهای قریبی حامی اسرائیل، در یک مصاحبه مطبوعاتی به رفع و رجوع و توجیه سخنان خود در این زمینه پرداخت و اظهار داشت "با شتاب زدگی به صحبت های من برخورد شده است." او روز ۱۵ اردیبهشت طی یک سخنرانی خطاب به فلسطینی ها رهنمود داده بود که: "اگر در برابر هر فلسطینی که امروز در فلسطین شهید می شود اینها در بیرون، در داخل فلسطین



دوشنبه ۲۵ اردیبهشت ۱۳۶۸ برابر با ۱۵ مه ۱۹۸۹
شماره ۲۵۷ سال ششم - شماره

هشدار سازمان عفو بین الملل

۲۹ نفر دیگر از زندانیان سیاسی در خطر مرگ

سازمان عفو بین الملل تاکنون اسامی ۱۷۰۰ نفر از قربانیان اخیر کشتارهای جمعی در زندانهای جمهوری اسامی را منتشر کرده است. در اطلاعیه این سازمان گفته شده است که برخی از قربانیان کسانی بوده اند که مدت محکومیت آنها به پایان رسیده و یا حتی از زندان آزاد شده بودند و بعد از آزادی مجدداً دستگیر شده و به قتل رسیده اند.

سازمان عفو بین الملل "امنستی انتر ناسیونال" طی بیانیه ای اعلام کرد که حداقل ۲۹ نفر دیگر از زندانیان سیاسی ایران در خطر مرگ قرار دارد. این سازمان در بیانیه خود اظهار کرد حتی ممکن است که اکثر افراد فوق تاکنون اعدام شده باشند. در میان این افراد اسامی تعدادی از زنان زندانی نیز دیده می شود.

اعدام فدائیان خلق سیاوش شکوهی و بهمن باقری زاده

دیدار رهبران اتحاد شوروی و چین

در صفحه ۱۲

"قایق های توپدار" بوش در یاناما

در صفحه ۱۲

تجربه ای تلخ اما پر بار

در صفحه ۸

محکومیت جمهوری اسلامی توسط سازمان جهانی نویسندگان

خواسته شده است که هر چه زودتر به بازداشت شکنجه و آزار نویسندگان، شعرا و روزنامه نگاران پایان داده و همه زندانیانی را که به این جرم دستگیر شده اند آزاد نمایند. همراه با ایران، ترکیه نیز از جمله کشورهایی است که به خاطر نقض آشکار حق آزادی بیان و قلم محکوم شده است.

سازمان جهانی نویسندگان، شعرا و روزنامه نگاران موسوم به PEN (قلم) حکومت اسلامی و هشت کشور دیگر جهان را به علت بدرفتاری، بازداشت و شکنجه نویسندگان و شعرا و پایمال کردن حق آزادی قلم و بیان محکوم نمود. در گزارش سالیانه "PEN" که در آن از موارد نقض حق آزادی بیان و دستگیری و شکنجه نویسندگان نام برده شده است، از این کشورها

تهیه نان

عشکلی دیگر از مشکلات بی شمار مردم



صف های طولی مردم در برابر نانواپی ها، کیفیت نامرغوب و کوچک تر شدن تدریجی نان از مشکلاتی است که سالهاست مردم و بویژه مردم کم درآمد ایران با آن دست به گریبانند. با وجود این، این روزها تهیه نان به عنوان یک مشکل، به طور برجسته تری مطرح شده است.

اگر چه بهای نان به طور غیر رسمی، یعنی با کوچک تر شدن و کم وزن تر شدن تدریجی آن، در حال افزایش است، اما این افزایش در مقایسه با رشد سرسام آور قیمت سایر مواد غذایی چیزی نیست که بقیه در صفحه ۳

اعدام فدائیان خلق سیاوش شکوهی و بهمن باقری زاده

اطلاع یافتیم که در موج کشتار همگانی زندانیان سیاسی ایران توسط رژیم تبعکار خمینی دو تن دیگر از فدائیان خلق، رفقا سیاوش شکوهی و بهمن باقری زاده نیز به شهادت رسیده‌اند. جمهوری اسلامی از نیمه تابستان گذشته تاکنون چندین

هزار تن از فرزندان اسیر خلق را به چوبه‌دار آویخت و آماج تیر کرد. نام بخش بزرگی از قربانیان این جنایت هولناک و ددمشانه هنوز آشکار نشده است. تاکنون نام قریب ۷۶۰ تن از قربانیان قتل عام زندانیان سیاسی توسط سازمان ما جمع‌آوری و منتشر شده است. از

این تعداد، ۱۰۱ تن از اعضاء کادرها و رهبران سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) بوده‌اند که آماج کین بهیمی رژیم ملایان قرار گرفته‌اند. اکنون نام رفقای شهید سیاوش شکوهی و بهمن باقری زاده در این لوح جای دارد. زندگینامه این فدائیان قهرمان را هنوز در

اختیار نداریم. به مناسبت اعدام رفقا سیاوش شکوهی و بهمن باقری زاده از سوی واحدی از فدائیان خلق در داخل کشور اعلامیه‌ای منتشر شده است که کلیشه آن را در زیر ملاحظه می‌کنید:

بمناسبت خبر تکان دهنده اعدام رفقا سیاوش شکوهی و بهمن باقری زاده

هم میهنان!

کارگران و زحمتکشان! آزادیخواهان!

رژیم سفاک خمینی طی چند ماه اخیر هزاران زندانی سیاسی را قتل عام کرد. تمام دنیا علیه این جنایات تکان آمده است و کشور عزای ملی برپاست.

رژیم خونریز خمینی دو بار صدیق زحمتکشان، دوزخنده جوان فدائیس، رفقا سیاوش شکوهی و بهمن باقری زاده از جبهه‌های سرشار و ورزشی همراه با شعار دیگران از فعالان جنبش انقلابی را دزدانه و پشیمانی به شهادت رساند. سیاوش و بهمن را به جرم "نه" گفتن ستم‌بران کردند. آنها جریم نداشتند. مقاومت و ایستادگی این رفقا در مقابل شکنجه و وحشیانه زندانبانان خمینی، در راه بهروزی مردم ایران، دژخیمان خمینی را به حیرت واداشت. وقتی از رفیق سیاوش می‌پرسند "بهدی چه به روز آوردند" با دهانی خونین و پیکری در هم شکسته از ضرب و شتم جلادان و با سری افراشته می‌گوید "مهم نیست من این سختیها را تحمل می‌کنم تا دیگران سرنوشت بهتری داشته باشند." و رفیق بهمن در مقابل این سؤال باز جویان جلاد که "تو هنوز هم فدائی هستی" فریاد می‌زند "آری من یک فدائی هستم". یاد این رفقا گرامی و رکعتان بهر رهبر و هم میهنان مبارز! خون فدائیان خلق، تودم‌هایا، مجاهدین خلق، فعالان راه کارگر، میهن پرستان کرد، مشخصات آزادیخواه و حتی عناصری از محافل مخالف وابسته به حکومت بدست یک جلاد ریخته می‌شود. تنها به نیروی متحد مردم و فقط به نیروی اتحاد همه آزادیخواهان و نیروهای انقلابی دمکراتیک و ترقیخواه میهن نیست که می‌توان این رژیم را سرنگون کرد و راه بهروزی و آزادی مردم ایران را گشود.

گرامی باد خاطره تابناک همه شهیدان خلق

درد پرزندانان سیاسی قهرمان میهن

مرگ بر رژیم خمینی

فدائیان اکثریت

به خاطر مرگ آن کس، که
برای صلح مبارزه می‌کرد

برتولت برشت

آنکه تسلیم نشد

نابود شده است.

و آنکه نابود شد،

خود را تسلیم نکرده بود.

دهان هشدار دهنده

پراز خاک شد،

و ماجرای خونین،

آغاز.

بر مزار رفیق صلح

فوج سربازان پای می‌کوبد

پس آیا مبارزه بیهوده بود؟

اما، مبارزی که نابود شد

به تنهایی نمی‌جنگید

و دشمن، هنوز

پیروز نشده است.

توبه رفسنجانی از فراخوان تروریستی خود

بقیه از صفحه اول

بگذارید بگویند این را، "ده روز بعد در روز ۲۵ اردیبهشت هاشمی رفسنجانی ظاهراً توبه کرد و به پس گرفتن سخنان ۱۵ اردیبهشت خود پرداخت و گفت: "حرف‌هایی که من زدم تحلیل خودم بود، نظریه‌ای را ابراز کردم که جنبه تحلیلی داشت و تازگی ندارد و سالهاست که بیان شده... البته شاید من به گونه‌ای بوده‌ام که آنها از آن توصیه نمیدانند شاید هم لحن توصیه‌گونه بود، ولی من نظر تحلیل‌گونه دارم."

هاشمی رفسنجانی در تنگنای سختی گیر کرده است. تنگنای تناقض منافع لحظه در جنگ قدرت و لزوم میانه‌رویی برای کسب و حفظ قدرت، تناقض ضرورت نمایاندن خود به عنوان پراگماتیست و میانه‌رو با منفعت فالانژنمایی در مقابل رقبای فالانژتر از خود. رفسنجانی که از دیرباز با پندبازی و فرصت‌طلبی آخوندی می‌کوشید با گرفتن رُست میانه‌روی در چارچوب معیارهای جمهوری اسلامی خود را به عنوان عنصری سیاسی و قابل اتکا، در چشم کشورهای غربی و عنصری با توانایی تشخیص مصلحت به تکنوکرات‌های حکومتی و غیرحکومتی بنمایاند، پس از برکناری منتظری و طرح تغییرات قانون اساسی خود را محتاج دید که جناح بنیادگراتر از خود در حکومت را خلع سلاح و خلع شعار کند، او که مخالفت با روابط پنهانی

با غرب، طرفداری از اقتصاد درهای باز و "مصلحت‌گرایی" را از شعارهای جناح نیرومند رقیب، جناح سید احمد خمینی، محتشمی، خوئینی‌ها، کروب‌ی و... می‌دید، به تاکتیک امام خود به هنگام صدور حکم اعدام سلمان رشدی متوسل شد. همانگونه که فاینشال‌تایمز نوشته است: موضع‌گیری اخیر رفسنجانی نه یک روش جدید در سیاست خارجی جمهوری اسلامی که مربوط به جاه‌طلبی و فرصت‌طلبی وی برای جانشینی خمینی است.

اما رئیس مجلس خمینی در هریده‌کشی‌هایش یک پرده بالاتر گرفت. تزلزل نظام جمهوری اسلامی به حدی است که بی‌احتیاطی‌های وی حتی مورد اعتراض حزب الهی‌ترهای حکومتی نیز قرار گرفت. احتمالاً شخص خمینی نیز به‌وی در مورد دراز کردن پا بیرون از گلیم خود هشدار داده است. این هواها به اضافه تشخیص رفسنجانی مبنی بر نیاز به حفظ سرپل‌های ایجاد شده و حفظ چهره "معقول" او را به توبه کشاند، توبه از آنچه که ده روز قبل از آن به صراحت بیان داشته بود. اما در همین توبه هم او نتوانست طینت تروریستی خود و رژیمش را پنهان دارد. رفسنجانی در سخنرانی مزبور خود گفت: "اگر معنایش این باشد که منجر می‌شود که شهروندان عادی را بکشند به من نظرم این است که چنین چیزی اتفاق خواهد افتاد اما اگر معنایش این باشد که من توصیه می‌کنم این کار را بکنند نه من و اتفاقاً توصیه نمی‌کنم."



تهیه نان مشکلی دیگر از مشکلات بی‌شمار مردم

بقیه از صفحه اول

خود به تنهایی امروزه به عنوان مشکلی جدید بتواند مطرح گردد. سالهاست آرد نامرغوب بین نانوايي‌ها توزیع می‌شود و سالهاست به سبب همین آردهای نامرغوب، مردم مجبورند "نان خمیر" یا سوخته بخزند، اما این روزها مسئولین امر با اشاره هرچند مختصر به این مسئله می‌کوشند با تاکید بر توزیع "آرد نامرغوب" و غیر استاندارد "این امید را به مردم بدهند که به "اهمیت" این مسئولین و با بالابردن کیفیت آرد مشکل را می‌توانند تاحدی حل کنند. با این همه، برای اینکه از مسئولیت اصلی این مشکل شانه خالی کنند، تقصیر اصلی را به گردن نانواها می‌اندازند که نان سوخته یا خمیر به مردم عرضه می‌کنند.

حسین طاهری، استاندار تهران در مصاحبه کوتاهی در کیهان ۱۱ اردیبهشت پس از اشاره مختصر به توزیع آرد نامرغوب و مشکلات حمل و نقل آرد، یک علت مشکل امروزه مردم را چنین بیان کرده است:

"بعضی وقتها هم این نارسایی مربوط به نانواها است که در صورت عدم دقت کافی و خمیر کردن به موقع اتفاق می‌افتد. در این مرحله متخلف که نانوا باشد تحت پیگرد قانونی قرار می‌گیرد."

و یا اینکه می‌کوشند گناه را به گردن مصرف‌کننده بیاورند. در روزنامه کیهان ۱۱ اردیبهشت آمده است: "روزانه ۱۶۵۰ تن سمیه نان تهرانی‌هاست که براساس یک آمار تقریبی یک سوم

دور ریخته می‌شود." اگرچه نامرغوب بودن کیفیت آرد توزیعی به نانوايي‌ها باعث پایین آمدن کیفیت نانی است که به دست مردم می‌رسد، اما امروزه بیش از آنکه کیفیت نان مطرح باشد، علیرغم اظهار نظر روزنامه کیهان کمیت توزیع نان در نانوايي‌ها برای مردم ایجاد مشکل کرده است. سبب اصلی مشکل امروزه نان را در بالا رفتن مصرف روزانه آن باید جستجو کرد.

وقتی بهای سیب زمینی، خواربار، گوشت و سایر مواد غذایی آنچنان بالا می‌رود که تهیه آن برای بخشی از مردم غیرممکن و برای بخش بزرگی به سختی امکان پذیر است، به ناچار نقش نان در غذای روزانه مردم افزوده می‌گردد و مصرف روزانه نان هر روز بالاتر می‌رود. امروز، بیش از پیش کمبود نان مطرح شده و صف‌های طولیل مقابل نانوايي‌ها بیش از پیش طولیل شده است.

به علت مشکل کمبود نان، رعایت بهداشت به هنگام تهیه نان در نانوايي‌ها از کنترل خارج شده است. مردمی که ساعت‌های طولانی برای دریافت چند گرده نان در صف‌های طولیل انتظار می‌کشند، وقتی موفق به خرید می‌شوند، آن را با هر کیفیتی، هرچند هم فیر بهداشتی تهیه شده باشد، مجبورند بخزند.

مسئولین جمهوری اسلامی با بزرگ کردن اشکالات فرهی امر تهیه نان، مصرف‌کننده و نانواها را مقصر دانسته و برایشان خطو نشان می‌کشند. آنها از این راه به بهت می‌کوشند تا از زیر بار مسئولیت اصلی که در ایجاد این مشکل دارند شانه خالی کنند.

گلوله‌ای که شلیک شده است!

خامنه‌ای رئیس جمهور اسلامی در یک کنفرانس مطبوعاتی در پکن در روز پنج‌شنبه ضمن دفاع از فتوای تروریستی رفسنجانی اعلام کرد که فرمان قتل سلمان رشدی نویسنده کتاب "آیات شیطانی" که توسط خمینی صورت گرفته همچنان به قوت خود باقی است و هرگز باطل نخواهد شد. وی افزود: گلوله‌ای که می‌باید به زندگی این فرد کافر پایان دهد شلیک شده و دیر یا زود به هدف اصابت خواهد کرد.

پیروز باد مبارزه خلق در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی!

سفر خامنه‌ای به چین

واگذاری موسسات تولیدی
به بخش خصوصی

هفته گذشته در تهران اعلام شد که جمهوری اسلامی قصد دارد همه کارخانه‌ها و موسسات تولیدی و خدماتی و بازرگانی را که جنبه استراتژیک ندارند به بخش خصوصی واگذار کند. به همین خاطر حکومت اسلامی طی حکمی به همه وزارتخانه‌ها و موسسات دولتی و بانکهای دولتی شده اعلام کرده است که نسبت به فروش سهام کارخانجات و موسسات فوق اقدام نمایند. این سیاست در پی ورشکستگی اقتصادی و افلاس و در ماندگی مالی حکومت اتخاذ شده است.

مجازات اعدام برای

چاپ اسکناس قلابی

حکومت اسلامی در پیگیری مشی "اعدام باید گردد" و "نبود باید گردد" به جنگ قاچاقچیان و جعل کنندگان پول پرداخته است؛ به همین دلیل در روز سه شنبه وزیر اقتصاد و دارائی رژیم در یک مصاحبه رادیویی گفت که از این پس اگر کسی اقدام به چاپ اسکناس جعلی نماید و یا به توزیع آن بپردازد و یا دانسته آن را خرج نماید، اعدام خواهد شد. وی در این مصاحبه افزود که تنظیم قانون حکم اعدام برای چاپ کنندگان، وارد کنندگان، توزیع کنندگان و مصرف کنندگان اسکناسهای جعلی به پیشنهاد وی به تصویب "مجمع تشخیص مصلحت" رسیده و از ماه آینده به اجرا گذاشته خواهد شد.

قانون فوق که توسط کارگزاران مالی رژیم اعلام شده، قبل از هر کس شامل حال خود سرمداران رژیم جمهوری اسلامی می شود که مدتهاست به چاپ و توزیع اسکناسهای بی پشتوانه برای تأمین بودجه ریالی دولت اقدام نموده اند، و از این طریق به دامن زدن تورم در جامعه و سیر روزی مردم کمر همت گماشته اند.

اعلام تاریخ همه پرسی برای
"قانون اساسی"

وزیر کشور جمهوری اسلامی، علی اکبر محتشمی در یک مصاحبه در روز پنجشنبه اعلام کرد که در صورت پایان یافتن کار "شورای بازنگری قانون اساسی" همه پرسی قانون اساسی همزمان با انتخابات ریاست جمهوری در دهه سوم خرداد ماه امسال برگزار میشود. ضمناً طبق اطلاعیه دبیرخانه شورای "بازنگری قانون اساسی" هشتمین جلسه عمومی این شورا در عصر روز پنجشنبه بریاست مشکینی برگزار گردید. در این جلسه بحث درباره کلیات مسائل رهبری و تمرکز در مدیریت قوه مجریه ادامه یافت و ادامه مذاکرات در این مورد به چهارشنبه هفته آینده موکول گردید.

ضمناً جلسه هیئت وزیران، ضمن بحث روی مسائل تمرکز در مدیریت قوه مجریه، پیشنهادات خود را در این زمینه به این شورا ارائه داد.

بر ادامه سیاست مذاکره میان ایران و عراق و پایان بخشیدن به جنگ خلیج و برقراری صلح در منطقه تأکید ورزیده اند. به موجب قراردادی که مابین ایران و چین به امضار رسیده است قرار است که حجم داد و ستد میان دو کشور به ۵۰۰ میلیون دلار برسد. در پایان این دیدار در روز شنبه سلسله توافقاتی برای گسترش همکاری های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و تکنولوژیک صورت گرفته است. در دیدار وزرای خارجه ایران و چین سه توافقنامه در زمینه های فرهنگی، تسهیلات بانکی و نفتی و هنرهای فولکلوریک به امضار رسیده است.

همچنین قرار است در ادامه این سفر، خامنه‌ای با هیئت همراه به مدت ۶ روز از کره شمالی دیدن کند. این سفر از تاریخ ۲۴ اردیبهشت ماه آغاز خواهد شد.

اردبیلی از جلادان اسلامی سپاسگزاری کرد

۵۷۲ نفر رسیده است. در همین رابطه هزاران نفر در طی چهار ماه اخیر توسط مأمورین حکومت اسلامی بازداشت شده و در زندان بسر می برند.

در روز شنبه آخوند فلاحیان معاون وزیر امنیت و اطلاعات خمینی از کشف دو شبکه وابسته به مجاهدین خلق نام برد که افراد این شبکه متهم به جاسوسی و اقدامات خرابکارانه علیه رژیم شده اند. بنا به گفته وی قرار است به زودی افراد این شبکه ها محاکمه و مجازات گردند. چنانکه از شواهد پیداست جلادان اسلامی همراه با قاچاقچیان، بسیاری از زندانیان سیاسی را نیز به قتل می رسانند. توجه به سخنان اخیر رئیس دیوان عالی حکومت خمینی، روشن می کند که سرنوشت دستگیرشدگان اخیر چه خواهد بود.

خامنه‌ای رئیس جمهور حکومت اسلامی، عصر روز دوشنبه همراه با یک هیئت از مقامات بلند پایه حکومتی جهت یک دیدار رسمی هازم پکن شد. خامنه‌ای هدف از این دیدار را که بدعوت یانگ شونگ کون رئیس جمهوری خلق چین صورت گرفت، تمکیم و گسترش مناسبات میان دو کشور دانست. در این سفر وزرای خارجه و سپاه پاسداران جمهوری اسلامی خامنه‌ای را همراهی می کنند. گفته می شود که در این سفر مسائل مختلف در زمینه های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و مسائل بین المللی و منطقه‌ای مورد بحث قرار گرفته است. در این دیدار، خامنه‌ای بر مسئله افغانستان تأکید داشته است و ولایتی در دیدار بانضت وزیر چین اعلام کرده است که مادر سیاست خارجی خود جایگاه ویژه‌ای را برای چین قائلیم. ضمناً مقامات چینی

رئیس دیوان عالی حکومت اسلامی از جلادان دادگاه های اسلامی بخاطر صدور حکم اعدام صدها تن سپاسگزاری کرد. وی که در مراسم نماز جمعه این هفته تهران سخن میگفت اعلام کرد که دادگاه های رژیم "باید در محاکمه و مجازات مخالفین مسلح و کسانی که به اتهام راهزنی و قاچاق مواد مخدر بازداشت می شوند به هیچ وجه ترحم ننمایند". لازم به تذکر است که جمهوری اسلامی در طی ماه های اخیر صدها تن را به اتهام خرید و فروش مواد مخدر به چوبه دار آویخته است. در طی هفته گذشته بار دیگر در چارچوب "مبارزه با قاچاق مواد مخدر" ۲۹ نفر دیگر در شهرهای شیراز، اصفهان، زاهدان، زابل، کرمان، جیرفت، بم و کهنود در ملا هام بار آویخته شدند. با تعداد اعدام شدگان اخیر، شمار اعدامهایی که به جرم خرید و فروش مواد مخدر صورت گرفته به بیش از



روزنامه های رژیم خبر دادند که از روز ۹ اردیبهشت ۷ هزار بازرس برای کنترل قیمت ها و اتیکت ها بسیج شده اند. اما قیمت ها تنها اندکی از قیمت بازار سیاه پایین تر است. کنترل قیمت ها تثبیت قیمت های بازار سیاه است.

قدرت‌نمایی حکومت اسلامی در خلیج

حکومت اسلامی از روز یکشنبه اقدام به انجام یک مانور گسترده نظامی در آبهای خلیج فارس و دریای عمان نمود. در این عملیات که چهار روز به طول انجامید و ملک‌زادگان فرمانده نیروی دریایی حکومت، بزرگترین مانور این نیرو بوده است، با هدف به نمایش گذاشتن قدرت نیروی دریایی ارتش حکومت اسلامی صورت گرفته است.

در این عملیات که "ذوالفقار

چهار" نامگذاری شده بود بیش از ۳۰ فروند از ناوشکنهای سبک و سنگین، ناوچه‌های موشک‌انداز، ناوچه‌های لجستیکی و نیروبر، هواناوها و چندین فروند از هلی‌کوپترهای نیروی دریایی در هماهنگی با نیروی هوایی و زمینی ارتش شرکت داشتند. در روز چهارم و پایانی این مانور رفسنجانی از این قدرت‌نمایی بازدید کرد.

احسان طبری درگذشت

از تبلی، گریزان از جهالت، هاری از بی‌ذوقی، متغیر از تسلیم و رضا...

انسان مورد نظر او انسان تاریخی است. همان انسان آگاهی که به سوی فراز رهایی از تنگنای "بیولوژیک و سوسیولوژیک" بالا می‌رود. راه طولانی است و پراز ستیغ و فراز و نشیب، مملو از دشواری‌ها، کامیابی‌ها و شکست‌ها! انسان گهگاه به تامل می‌پردازد: "رزمی است که رستم‌نانش بایستی..." آیا راه دیگری نیز هست؟

بدون تردید نه! انسان دوران ما ماهیت و محتوای خویش، تعریف خویش را در این راه پرپیچ و خم می‌یابد و نه جز این. طبری سال‌ها قبل گفته بود:

"انسان موجود دوگانه‌ایست: خوارترین و سرافرازترین، ناتوان‌ترین و نیرومندترین ولی انسان می‌تواند همیشه از نوع دوم باشد، به شرط آن که در پایگاه انسانی خود بایستد، ابدیت واقعی در ابدیت حیات انسانی است."

سال‌ها رهسپاری فراز و فرود را می‌توان در ثانیه‌ها به ژرفا بازگشت. آری برای رسیدن به فراز افتخار، انسانیت و تکامل، راه بسیار دشوار است، زمانی دراز نیاز است و همت نیرومند. اما برای رسیدن به ژرفا... و باید افزود که این ارزش‌گذاری خشن و واقعی را باید با نگرشی همومی و تاریخی تکمیل کرد.

او بارها به آن لحظه دشوار تصمیم‌گیری بر سر دوراهی مرگ و زندگی که هر مبارزی را به خود مشغول می‌دارد، اندیشیده و به درستی گفته بود: "نیثار جان در راه وظایف و فضایل انسانی پیوسته یکی از زیباترین و هالی‌ترین اقدام حیاتی یک انسان است. این فضیلت ویژه قهرمانان تاریخ است." و او خود منطق تاریخ بود: "آیندگان یک نکته را فراموش نخواهند کرد و آن اینکه من و تو در این سیر عظیم تاریخ از یاران کاوه آهنگر بودیم یا از سپاهیان ضحاک ستمگر."

طبری هر چند در لحظه تاریخ‌ساز زندگی‌اش، آنجا که می‌بایست هالی‌ترین اقدام حیاتی انسان را به کار گیرد، فرو ریخت. اما این قضاوت آیندگان را نیز با خود به همراه دارد که در بخش اعظم زندگی خویش از یاران کاوه آهنگر بوده‌است.

روز شنبه ۲۹ دیماه ۱۳۶۸ طبری در بیمارستانی در تهران درگذشت. احسان طبری که از اردیبهشت سال ۱۳۶۲ در زندان جمهوری اسلامی بسر می‌برد، سرانجام در سن ۷۲ سالگی چشم از جهان فرو بست.

احسان طبری ادیب و دانشمند نامی، فردی که مبارزه سیاسی را با گروه ۵۳ نفر و دکتر ارانی آغاز کرد و در کمیته مرکزی حزب توده ایران ادامه داد، در شرایطی همیار و در دانشگاه جان سپرد. در دانشگاه بویژه از این جهت که انسانی بدانگونه در وضعیتی اینچنینی بد رود حیات می‌گوید: مسخ شده و در هم شکسته.

اما غیرانسانی و ضد حقیقت است اگر شرایط مرگ و زندگی چندساله اخیر او پرده‌ای بر بیش از ۴۰ سال فعالیت تیربخش فرهنگی و سیاسی‌اش گردد. طبری به عنوان ادیب، پژوهشگر و اندیشمندی مارکسیست جایگاه شایسته‌ای در تاریخ فرهنگ معاصر کشور ما دارد. آثار ادبی و نوشته‌های سیاسی، اجتماعی و فلسفی وی و بویژه جوهر انسانی نوشته‌هایش میراث گرانبهایی به شمار می‌آید. انسان و خوشبختی او محور و محتوای اصلی اندیشه و آثار طبری را تشکیل می‌دهد. برای او اندیشه علمی، مبارزه و سوسیالیسم تنها و سایل دستیابی به سعادت هستند. او قدرتی عظیم در تصویر احساسات پاک و آرزوهای انسان مبارز برای زندگی بهتر داشت.

طبری می‌گفت: "خواستم انسان باشم و دو سپاه را بر خویش برانگیختم: ستم و نادانی و آتش را از دو سنگر بر خویش گشودم. آشنا و بیگانه، چنگال ددان نداشتم. منقار گرکسان نداشتم. با نیش کینه نبودم. با خرابی سنگ نبودم. از ناورد گریختن نخواستم. با ناورد آمیختن نجستم. بند حقیقت پایگیرم شده صور سر نوشتم آژیرم شد. بکوب ای طبل که دوران چرخش است: گردباد خون، پر خاک، طوفان نوح در روح. رزمی است که رستم‌نانش بایستی بمری است که سربادانش شایستی و من شراهم در این کولاک ناچیز است... ولی سیمرخ را بالا از پرواز است."

او سیمای انسان "قهرمان عصر ما و همه اعصار" را تصویر کرده بود: "کار، بی‌کار، آفرینش - اینهاست کلیدهای تکامل... انسانی کوشا، دانا، هنرمند، رزمنده، بیزار

کیهان
۵ اردیبهشت

آی کیفم!

چند روز پیش نزدیک به ۲ ساعت در صف نان ایستاده بودم که تا نوبت بمن رسید نان تمام شد. همین‌طور حبیبانی و با دست خالی که عازم خانه بودم یک دلفه سر و صدائی توجه مرا جلب کرد تا بدان حد که بی‌نانی را فراموش کرده همچون سایرین به‌تاشا پرداختم که به‌بینم عاقبت کار چه می‌شود. ظاهراً قضیه این بود که فردی یقه دیگری را چسبیده و داد می‌زد پدر سوخته تو اول شروع کردی و یقه مرا گرفتی دومی هم ضعیف می‌داد و می‌گفت پدر سوخته تو خودت اول شروع کردی. ماجرا با ادامه فحاشی همچنان ادامه داشت و هر لحظه هر تعداد تماشاچی به‌کار و به‌بار و بی‌نای اضافه می‌شد که عاقبت چند نفر ریش سفیدی کرده، آندو را آشتی دادند و آندو با پوزش از مردم سر پامحل را ترک کردند. لحظاتی بعد فریاد آی پولم، آی کیفم، مردم بدبخت شدم، آی دزد بلند شد. نتیجتاً همه بدروغ بودن آن دعوا پی‌بردند ولی دیگر دیر شده بود. غرض از بیان آن حایله‌ها مرا بیاد مبارزه با گرانی انداخته البته با گذشته کاری ندارم و به‌بین بر نامه جدید مبارزه با گرانی اکتفا می‌کنم بشرط اینکه در قضاوت حجله نفر مانبد. تفریب‌ها از دو هفته پیش دولت معتزانه به محکمرین و گران‌فروشان پیشنهاد دولت می‌دهد و فرصت کافی هم می‌دهد که بخود آیند و تا می‌توانند اجناس بدر بدخور را مخفی و روی اجناس بنجل اتیکت بزنند و الا... من و آلاجمال ساده دل و خوش‌یاور هم بوجد می‌آئیم که این‌بار شندرغز حقوق ما با ارزان شدن چند روزی بهتر دوام می‌آورد. اما حقیقت چیز دیگری بود. چرا که در بیستم فروردین عملاً دیدیم مهلت داده شده که بسود هر دو طرف بوده و نه بفتح ما مستغنیین واقعی. چرا که دولت در این فرصت ابتدا خود به گران کردن سیگار، تمبر و امور پستی، روغن نباتی و غیره پرداخت و هم‌زمان محکمرین هم به مخفی کردن موجودی و بستن فروشگاه و حجره پرداختند در این میان فقط خیاب پلاسیده و پرتقال گندیده و لباس‌های به‌دزد به‌رخ ارزان فراوان شد. تجسم آن ماجرا مرا وادار به‌وشن کرد زیرا دولت بگران‌فروشان می‌گوید پدر سوخته‌ها اول شما گران کردید که من ناچار شدم برای مبارزه با بازار سیاه قیمت‌ها را بالا ببرم، خجالت هم خوب چیزی است. محکمرین هم می‌گویند پدر صولاتی تو اگر پیشقدم در گرانی نبودی که ما هم جری نمی‌شدیم مسابقه را ادامه بدهیم که ناگهان فریاد مردم بگویم طنین‌افکن شد. آی پولم، آی کیفم، آخ چکنم، وای به‌چاره شدم.

گر سنگی



اثر کته کولویتس

تعطیل قدیمی ترین نشریه کارگری جهان

ناسیونال اول همچون کارل لیبکنشت پایه گذاری شد، تا امروز به انتشار منظم خود ادامه داده بود. دلیل رهبری حزب سوسیال دمکرات آلمان خودکفا نبودن این نشریه که تیراژ آن ۶۴ هزار نسخه بود، اعلام شده است.

نشریه "فورورس" (به پیش) ارگان تئوریک حزب سوسیال دمکرات آلمان که ۱۱۳ سال عمر دارد، پس از کشاکش‌های فراوان میان رهبری حزب و اعضای آن با تصمیم رهبری حزب تعطیل شد. این نشریه که توسط سوسیال دمکرات‌های برجسته انتر-

افتتاح مالی در دولت ژاپن

تاکشیتا در سال ۱۹۸۷ در یک هتل لوکس توکیو یک میهمانی عظیم برگزار کرد که بلیط ورودی آن به‌های ۴۳۰ مارک فروش رفت. ۱۳ هزار نفر از طرفداران او در این میهمانی شرکت کردند. فراتر از آن ۶ هزار کارت ورودی به فروش رفته بود که مبلغی حدود ۲۸/۵ میلیون مارک نصیب برگزارکنندگان آن ساخت. این کمک‌های مالی مخفیانه به اظهار روزنامه لیبرال آشایی شیم بون (سودی بیش از ۱۶ میلیون مارک به ارمغان آورد.

افتتاح عظیمی که مامه‌است افکار عمومی ژاپن را به خود مشغول داشته است، همواره ابعاد وسیع‌تری پیدا می‌کند. ابتدا ماجرای دریافت رشوه ده‌هزار فرانک سیاستمداران از کنسرن فول‌پیکر رکرویت سروصدای فراوانی برپا کرد. اکنون پای نوبورو تاکشیتا نخست‌وزیر ژاپن نیز به میان آمده است. او برای مبارزه انتخاباتی خود برای نخست‌وزیری مبلغی حدود ۲۰ میلیون (۳۸۵ هزار مارک) از کنسرن نامبرده دریافت کرده است.

گفته‌ها

فتح‌علیشاه و ملک الشعرا صبا

سخت متفیر شد و دستور داد ملک را در سر طویله زندانی کنند. مدتی از این قضیه گذشت تا روزی دومرتبه، فتح‌علیشاه یکی از شعرهای خود را برای ملک الشعرا خواند و از او نظر خواست ولی ملک الشعرا بی آنکه پاسخی گوید سر خود بزیر افکنده از اتاق بیرون رفت. فتح‌علیشاه پرسید ملک الشعرا به کجا می‌روی؟ گفت قربان به سر طویله.

روزی ملک الشعرا صبا در خلوت فتح‌علیشاه بحضور نشسته بود. فتح‌علیشاه که گاهی شعر می‌گفت یکی از اشعار سست خود را برای ملک الشعرا آب و تاب بسیار خواند و از او نظر خواست. ملک الشعرا مرد بسیار زیرک و رک‌گویی بود. در جواب گفت بیت سستی است. حضرت خاقان همان بهتر که شهریار می‌کنند و شاعری را کنار بگذارند. فتح‌علیشاه از این جواب

شیخ زنگوله به پا

یکی از شیخان ریایی و دغلباز، شیخی بوده است که در موقع راه رفتن به هردوپای خود زنگوله می‌بست و در کوچه و خیابان راه می‌رفته است. کسی از او می‌پرسد یا شیخ! منظور از این همل چیست

عطایش را به لقایش بخشیدم

نزد آن شخص برد. وی را دید لب فروهشته و تند نشسته، برگشت و سخن نگفت. پرسیدندش که چرا چیزی نگفتی؟ گفت: عطایش را به لقایش بخشیدم.

درویشی را ضرورتی پیش آمد. کسی گفتش: فلان، نعمت بی قیاس دارد اگر بر حاجت تو واقف گردد، هر آینه در قضای آن توقف روا ندارد. گفت: من او را ندانم. گفت: منت رهبری کنم. دستش بگرفت و

یابوی لادن

یابوهای "چرکز" بوجود می‌آید و فرض شیخ از اینکه نکمت دهان معشوق را به یابوی لادن تشبیه کرده این است که زود به مشام هاشق می‌رسد!!

از کسی پرسیدند این شعر سعدی چه معنی دارد؟ - این نکمت دهان تو؟ یا، بوی لادن است. گفت لادن شهر نیست که در آنجا یابوهای تندرو مثل

باخر، زی

چون ترا گفته اند باخرزی او در جواب نوشت: ای خردمند، طاعت من کن تا کی آخر تو معصیت ورزی زمین سپس، هم با تو سر بکنم چون مرا گفته اند؛ باخرزی

سیف باخرزی از فضلا و شعراست. شخصی این دوبیت به ظرافت برای او فرستاد: ای خردمند، سیف باخرزی بالله! تو به ارزنی ارزی کی تو با آدمی توانی زیست

در آمریکا در هر ۴ دقیقه ...

درباره فیلم "متهم" The Accused

جامعه انگشت گذارده، برزخم چرکین نیشتر می زند. در این فیلم آن عناصر فرهنگی به زیر ضرب گرفته می شوند که اساس روابط میان انسان ها، میان زنان و مردان، و پایه بسیاری از قوانین جزایی را تشکیل می دهند. در این فیلم "تابو" وجود ندارد. فیلم با این سطور پایان می یابد: "در ایالات متحده آمریکا هر ۴ دقیقه یک تجاوز جنسی صورت می گیرد..." البته در این آمار ارقام تجاوز جنسی در خانواده، فامیل و توسط همسر منظور نیستند. در آلمان فدرال وضع بهتر است. در آنجا هر ۶ دقیقه چنین جنایتی اتفاق می افتد.

با محکومیت سنگین تر متجاوزان و محکومیت تماشاگران و مشوقان این جنایت پایان می یابد. سارا راضی است. جودی فوستر به خاطر بازی در این فیلم جایزه اسکار "بهترین بازیگر زن" را دریافت کرد. بازیگری در رخشان او تماشاگر را به خود می کشد. او را در احساسات و درگیری های روانی شرکت داده از حالت تماشاگر بی تفاوت در می آورد. در اینجا او مجبور به بازگشت به خویش است و باید با خود تصفیه حساب کند. برای تماشاگر راه خروج نمی گذارد. جاناتان کاپلان کارگردان فیلم در این فیلم بر نقاطی حساس از فرهنگ حاکم مردسالاری در

نیرومند. او در این جریان پس از سازش با وکلای مدافع دچار درگیری های روحی گشته است. کارگردان تماشاگر را به این درگیری های روحی سارا و دادستان می کشد. دادستان در تلاش جبران بر می آید. ولی حکم صادر شده است. او سرانجام موفق می شود با استناد به بندهایی از قانون جزایی آنهایی را که تماشاگر منفعل و یا مشوق این جنایت بوده اند، نیز به دادگاه بکشد. سارا به او اعتماد ندارد و او را از خانه اش بیرون می اندازد. دادستان در این روند با روسای خویش نیز درگیر می شود. آنها به او می گویند که او آینده درخشانی دارد و نباید آن را به بازی بگیرد.

در شهری کوچک، جایی در آمریکا، سارا در یک بار مورد تجاوز چند نفر قرار می گیرد. متجاوزان به دادگاه کشیده می شوند. وکلای مدافع حضور دارند. دادستان که شاکی اصلی است، با وکلای مدافع توافق می کند. جرم از "تجاوز" به "کاربرد خشونت" تخفیف می یابد. شاهدی نیز وجود ندارد. از میان بیش از ۱۰ نفر که در بار حضور داشته اند، ظاهراً کسی چیزی ندیده است. صاحب بار که می خواهد مشتریان خود را نگاه دارد، سرش به کار گرم بوده و متوجه هیچ چیزی نشده است! حتی سالی دوست سارا که در آنجا کار می کند، برای آن که بیکار نشود نیز متوجه هیچ چیز قریبی نشده است. متهمان به مدتی کوتاه زندان و جریمه نقدی محکوم می شوند. سارا بر جای باقی می ماند. سارا دختری است هادی، مثل خیلی های دیگر، در یک رستوران کوچک کار می کند. روز واقعه پس از یک درگیری لفظی با دوستش، برای دیدن سالی به آن بار می رود تا با او درددل کند. قدرت فیلم و بازیگری جودی فوستر در تصویر نیرومند احساسات سارا است. این احساسات متعلق به یک انسان استثنایی نیستند، بلکه در یک انسان هادی وجود دارند. به طوری که تماشاگر می تواند هویت خود را در این احساسات بیابد. پس از این جنایت سارا در شرایط روحی دشواری به سر می برد. از همه مردها، آنهایی که بازبان زور سخن می گویند و بدن می بالند، نفرت دارد. در جنگلی بی قانون به نام آمریکا بی پناه مانده است. او از پیچ و خم های قانونی سردر نمی آورد ولی حیرت او در آنجا به اوج خود می رسد که می فهمد او نمی تواند به عنوان شاکی اصلی از متجاوزان شکایت کند. بر اساس قوانین آمریکا (و برخی کشورهای اروپایی غربی) در مواردی چون تجاوز جنسی، شاکی اصلی دادستان است و او تنها به عنوان شاهد ماجرا و حداکثر شاکی جنبی مطرح است. دادستان (کلی مک گیلیس) زنی است ظاهراً با اعتماد به نفس و

"قایق های توپدار" بوش در پاناما

بقیه از صفحه ۱۲

دولت آمریکا با وجود تلاش بسیار تاکنون موفق به کسب تأیید سیاست خود از جانب کشورهای آمریکای لاتین نشده است. وزیران خارجه کشورهای آرژانتین، برزیل، کلمبیا، مکزیک، پرو، اروگوئه و ونزوئلا هر گونه دخالت در امور داخلی دیگر کشورهای را محکوم کردند و از آمریکا رهایت قرارداد ۱۹۷۷ مبنی بر استرداد کانال پاناما به این کشور را خواستار شدند.

با دقت بیشتر بر تحولات پاناما و سیاست تجاوزکارانه آمریکا می توان به تدریج رگه هایی از سیاست خارجی دولت آمریکا (که هنوز به طور رسمی توسط بوش اعلام نشده است) را مشاهده کرد. این سیاست دنباله سیاست دولت آمریکا در اواخر ریاست جمهوری رونالد ریگان نیست، بلکه سیاستی است که ریگان در اوایل ریاست جمهوری در سال ۱۹۸۰ در پیش گرفته بود. همان سیاستی که بی شرمانه به جزیره کوچک گرانادا حمله کرد و حکومت دست نشانده خود را بر سر کار آورد. اما صرف نظر از تمایلات دولت آمریکا باید یادآور این حقیقت شد که دنیا دیگر آن دنیای سال ۱۹۸۰ نیست. زیر هکس: صحنه ای از زو زوورها در پاناما سیتی پس از انتخابات.

این زو زوورها حد اقل ۳ نفر کشته و تعداد زیادی زخمی گردیدند. طرفداران اپوزیسیون راست ADOC یا راهپیمایی ها و اقدامات تحریک آمیز باعث درگیری با نیروهای انتظامی و شبه نظامیان "گارد افتخار" شدند. بر اساس تفسیر تلویزیون پاناما چنین حرکاتی برای دادن دست آویز به آمریکا جهت دخالت مستقیم در پاناما انجام گرفتند. باید افزود نیروهای انتظامی و شبه نظامیان "گارد افتخار" نیز با خشونت و اقدامات غیرقابل پذیرش به تظاهرات نیروهای اپوزیسیون حمله کرده و جمعی از آنان را منجمله گیلر مواندارا، کاندیدای ریاست جمهوری را مصدوم و مجروح کردند. درگیری ها زمانی شدت یافتند که کمیته ملی انتخابات نتایج انتخابات برگزار شده را باطل اعلام کرد. بر اساس استدلال این ارگان "بی نظمی ها و وسیعی در جریان فیرقانونی" و وسیعی در جریان انتخابات صورت گرفته اند. داریئل اسپینو، رهبر حزب دمکرات انقلابی حاکم تلاش های دولت آمریکا برای روی کار آوردن حکومت مورد نظر خود در پاناما را محکوم کرد. او گفت: "رئیس جمهور بوش در حمل به ما اعلام جنگ داده است".

دادگاه تشکیل می شود. وکلای مدافع "خوب و مجرب"، از همان قماش که خوب بلدند روز را شب جلوه دهند، حضور دارند. سارا این بار به عنوان شاهد فراخوانده می شود. وکلای مدافع بر او می تازند:

"مگر شما در آن شب مست نبودید؟ مگر شما تحت تاثیر ماری جوانا نبودید؟ مگر دامن شما خیلی کوتاه نبود؟ در مورد شما حرف های خوبی نمی زنند. شما در فلان سال در زندان بوده اید، شما... سارا زیر بمباران وکلای مدافع قرار دارد.

حضرات متهم افراد آبرومند جامعه و دارای اسم و رسم هستند. سارا دختری بی سرو پا است. به شهادت او نیز نمی توان اعتماد کرد: "از کجا معلوم که تجاوزی صورت گرفته است؟ شما تحت تاثیر الکل و ماری جوانا همه این ها را در تخیل ساخته اید. آیا شاهدهی دارید که به نفع شما شهادت بدهد؟" سارا پاسخی ندارد.

با تحقیقات دادستان دانشجوی جوانی شناسایی می شود که خود در آن شب نظاره گر بوده است. صمیمی ترین دوست او در میان متجاوزان است و او اکنون دچار هذاب وجدان است. سارا با او روبرو می شود. او باید تصمیم بگیرد و سرانجام به نفع سارا شهادت می دهد. محاکمه جنجالی

روابط میان حزب کمونیست یوگسلاوی و حزب کمونیست شوروی

در سال‌های ۱۹۴۸ الی ۱۹۵۳

تجربه‌ای تلخ اما پربار

نوشته یوری گیرنکو، کاندیدای علوم تاریخ، ترجمه از مسایل صلح و سوسیالیسم، شماره ۲، فوریه ۱۹۸۹

تسویک "عضو دفتر سیاسی و وزیر مالی - از سوی یوگسلاوی سفیر شوروی را در جریان مباحثی که پیرامون ملاقات مسکو صورت گرفت، قرار داد، ک. یوفا، دانشمند ایتالیایی نیز میگوید "استالین به وسیله سرتن تسویک که در جلسه حضور داشت - از جریان حوادث اطلاع یافت و به همین جهت همه مشاوران نظامی و غیرنظامی از یوگسلاوی فراخوانده شدند."

حکومت شوروی تصمیم خود را چنین مدلل کرد که مشاوران با "رفتارهای دشمنانه‌ای" احاطه شده‌اند.

خواهش تیتو مبنی بر اینکه هل واقعی این رویه توضیح داده شود در تاریخ ۲۵ مارس ۱۹۴۸ به اطلاع مولوتوف رسید، استالین و مولوتوف در واکنش به آن در تاریخ ۲۷ مارس نامه‌ای خطاب به کمیته مرکزی ح. ک. ی. ارسال کردند. آنطور که نامه خود ادعا میکند "هواملی که در حکومت شوروی و ح. ک. ی. ش. (ب) ایجاد نارضایتی کرده و به واکمیت روابط میان اتحاد شوروی و یوگسلاوی منجر شده‌اند، توضیح داده شدند." در این نامه عوامل مزبور از جمله چنین عنوان میشود: "اظهارات مخفی و پشت پرده ضد شوروی درباره تغییر ماهیت ح. ک. ی. ش. (ب) و دربارۀ شوینیزم خود بزرگبیتانه در سیاست اتحاد شوروی به شیوه تروتسکی؛ موقعیتی نیمه قانونی در ح. ک. ی. که اثری از دموکراسی درون حزبی و انتقاد و انتقاد از خود قابل لمس نیست و بنابراین نمیتوان تشکیلات چنین حزبی را مارکسیستی - لنینستی و بلشویکی - ارزیابی کرد؛ فقدان روح مبارزه طبقاتی در ح. ک. ی. و حل شدن آن در جبهه خلق؛ افزایش عناصر سرمایه‌داری در شهر و روستا با حمایت از تئوری اپورتونیستی و گندیده‌گذار مسالمت‌آمیز عناصر سرمایه‌داری به سوسیالیسم که از برنشتاین، فولمار و بوخارین به عاریت گرفته شده است." به علاوه در این نامه گفته شد که "فلیت"

معاون وزیر خارجه یوگسلاوی جاسوس انگلیس است و به همین خاطر دولت شوروی قادر نیست "به وسیله وزارت خارجه یوگسلاوی مکاتبه آشکاری با دولت یوگسلاوی انجام دهد". کمیته مرکزی ح. ک. ی. در نشست ۱۲ و ۱۳ آوریل ۱۹۴۸ دریافت جوابیه کمیته مرکزی ح. ک. ی. ش. (ب) را تایید کرد.

به شکلی آمرانه بروز داد. او این گفتگو را با لحن بسیار تند و خشن به پیش برد و نمایندگان یوگسلاوی و بلغارستان را سرزنش کرد که اتحاد شوروی را در برابر یک عمل انجام شده قرار داده‌اند.

کاردلی که هئیت نمایندگی یوگسلاوی را رهبری میکرد گفت "شاید انعقاد قرارداد بلغارستان و یوگسلاوی با عجله صورت گرفته باشد" و در همین حال افزود که طرح قرارداد بموقع به اطلاع اتحاد شوروی رسیده است و بین اتحاد شوروی و یوگسلاوی هیچگونه اختلاف عقیده‌ای در سیاست خارجی وجود ندارد. استالین پاسخ گفت "این حقیقت ندارد. شما اصلاً مشورت نمیکنید" او در رابطه با این نکته از قرار داد که "هر گونه حمله، از جانب هر کس که باشد" تذکر داد که "فقط یک عبارت پر دازی بلند بانگ است که به درد تجهیز دشمن میخورد."

دفتر سیاسی ح. ک. ی. در جلسه وسیع خود در مورخه اول مارس ۱۹۴۸ به گزارش نماینده حزب که از مسکو باز گشته بود پرداخت. کاردلی پیرامون ماهیت ادعاهای ناواری که استالین مطرح کرد گزارش داد و لحن خشن اظهارات او را در برابر یوگسلاوی بیان کرد. به علاوه در اجلاس اطلاع حاصل شد که مسکو تصمیم گرفته است امضای قرارداد تجاری جدید را تا پایان سال ۱۹۴۸ به تعویق اندازد. بروس تیتو خاطر نشان کرد "روابط میان اتحاد شوروی و یوگسلاوی به بن بست رسیده است" او بعدها گفت "بر ما فشار اقتصادی اعمال میشود. ما باید در برابر این فشار پایداری کنیم. موضوع بر سر استقلال کشور ماست... ما سربازان روی صفحه شطرنج نیستیم... ما باید منحصراً متکی بر قدرت خود باشیم."

بنابر گفته‌هایی، یکی از شرکت کنندگان این جلسه "سرتن

بلگراد مستقر شدند.

البته میان دو کشور و دو حزب در موارد معینی اختلافات جزئی در عقاید و نقطه نظرات پدید می‌آمد. این اختلافات در بحثهای پایهای و هئیتی، بدون آنکه آنها را به شکل بی‌فایده‌ای بزرگ کنند، حل و فصل میشد و مجموعاً به هیچ وجه اصطکاک جدی پدید نمی‌آورد. این گفته در کتاب تاریخ ح. ک. ی. نیز که در سال ۱۹۸۵ چاپ شد تایید میشود: "با وجودی که تناقضات و سوء تفاهاتی در روابط میان شوروی و یوگسلاوی در دوره قبل از سال ۱۹۴۷ و دوران جنگ هویدا میشدند، در مجموع همکاری دو کشور مبتنی بر برابری حقوق به شکل موفقیت‌آمیزی گسترش میافت."

اما بتدریج در روابط دو حزب و دو کشور نوهی سوظن و رنجیدگی پدید آمد. سپس حوادثی رخ داد که این روابط را بحرانی کرد. یک حادثه مربوط به قرار داد دوستی، همکاری و کمک متقابل میان یوگسلاوی و بلغارستان و اندیشه ایجاد یک اتحادیه اروپای مرکزی و - جنوب شرقی بود. استالین در همان ماه اگوست ۱۹۴۷ ضمن ملاحظه مخالفت‌های دولت بریتانیا با بروس تیتو با اشاره به اینکه سند مزبور قبل از قرار داد صلح با بلغارستان تنظیم شده، آن را عجله‌ای غیر مجاز که قادر است امپریالیسم را به همیاتی تعاجمی تحریک کند تلقی کرده و هدم رضایت خود را نشان داد. "پراودا" ایده اتحادیه را "مسئله ساز و غیر طبیعی" خواند و از آن فاصله گرفت.

استالین بخاطر این گام‌ها که در سیاست خارجی بدون مشورت با او برداشته شد آشکاراً عصبی بود. او به هنگام ملاقاتی که در تاریخ ۱۵ فوریه ۱۹۴۸ میان نمایندگان رهبری شوروی، بلغارستان و یوگسلاوی در مسکو انجام گرفت، هدم رضایت خود را

تا سال ۱۹۴۸ مردمی که در جریان مسائل پشت پرده نبودند نمیتوانستند حدس بزنند که روابط میان حزب کمونیست شوروی و حزب کمونیست یوگسلاوی قادر به تبدیل شدن به وضعیتی بحرانیست. هر دو حزب در سالهای جنگ همپیمان بوده‌اند و پس از جنگ باهم رابطه تنگاتنگی داشتند که به وسیله کمک متقابل، اعتماد و همبستگی برادرانه مشخص میشد. اقدام حزب کمونیست یوگسلاوی (ح. ک. ی.) در راه نوسازی اجتماعی کشور در جهت ساختمان سوسیالیسم در اتحاد شوروی با هلاکۀ زیادی تعقیب میشد. نشریه "بلشویک" در ماه مارس ۱۹۴۶ چنین ارزیابی کرد: "تحولات دمکراتیک در یوگسلاوی که از همان دوران جنبش‌رهای ملی آغاز شد، بیش از سایر کشورها پیشرفت کرده است."

ژوزف تیتو به منظور امضای قرارداد دوستی، کمک متقابل و همکاری یوگسلاوی - شوروی در دوران پس از جنگ، در ماه آوریل ۱۹۴۵ به مسکو رفت. او در اواسط ژوئن سال بعد بار دیگر به شوروی سفر کرد و گفتگوهایی با استالین انجام داد. روزنامه "پراودا" در این باره نوشت که ملاقاتها "در فضای کاملاً صمیمانه و مبتنی بر درک متقابل" جریان یافت.

حزب کمونیست یوگسلاوی به اتفاق سایر احزاب برادر فعالانه راه تعمیق همبستگی این احزاب را به پیش برد و همواره روابط خود با سایر احزاب کمونیستی و بویژه کشورهای دموکراسی توده‌ای را بسط داد. ادوارد کاردلی و میلووان جیلاس به نمایندگی از جانب ح. ک. ی. در جلسه مشاوره ۹ حزب برادر که در مورخه سپتامبر ۱۹۴۷ در لستون تشکیل شد شرکت کردند. دفتر اطلاعاتی احزاب کمونیستی و کارگری (کمینفرم) در همین جلسه تاسیس شد و گروه‌های کار آن در ابتدا در

کمیته مرکزی ج.ک.ی. در پاسخ مورخه ۱۷ ماه مه خود، پیشنهاد بحث را رد کرد. علت آن بود که همه احزاب عضو دفتر اطلاعاتی در آن زمان نامه ۲۷ ماه مارس کمیته مرکزی ج.ک.ی.ا.ش. (ب.ب.) را دریافت

بقیه از صفحه آخر

چین در اوایل قرن به وسیله قدرت‌های امپریالیستی قطعه قطعه شده، تاراج گشته و به سرخوردگی سوق یافته بود. کشور چین با آن قدمت تاریخی بر اثر تلاطمات سیاسی درونی، فاجعه‌های طبیعی، گرسنگی و اضافه جمعیت به وضعیت رقت‌انگیزی دچار شده بود. در سال ۱۹۱۹ حزب کمونیست چین با الهام از انقلاب اکتبر و پذیرش شعارهای آن تشکیل شد. این حزب که در آن زمان هنوز هسته کوچکی را تشکیل میداد، طی سالهای بعدی، کار سخت‌کوشانه در میان کارگران و دهقانان را پی گرفت و در مدت کوتاهی به یک حزب با نفوذ سیاسی مبدل شد. حزب کمونیست چین دوش به دوش حزب سونیاتسن که از موضع ناسیونالیسم با امپریالیسم ژاپن در نبرد بود، در جنبش‌های بخش‌ملي شرکت نمود. حزب "کومیندان" با خطر کمک‌های آموزشی و تربیت نظامی توسط افسران ارتش سرخ به یک حزب مستحکم سیاسی تبدیل شد. این حزب پس از آنکه به کمک کمونیست‌ها نیمی از کشور را از زیر سیطره ژاپن رها کرد، آتش را بر آنان گشود. در سال ۱۹۲۷ چنانکای یک دستور کشتار کارگران صنعتی شانگهای را صادر کرد. کمونیست‌هایی که جان سالم به در بردند و در میان آنها مائوتسه‌تونگ جوان به روستا گریختند و عملیات پارتیزانی را آغاز کردند. پس از دودهه بالاخره جنگ داخلی با پیروزی جنبش دمکراتیک به رهبری کمونیست‌ها خاتمه یافت.

جمهوری خلق چین از همان آغاز از پشتیبانی همه جانبه اتحاد شوروی برخوردار شد. صدها متخصص و تکنیسین و مشاور نظامی شوروی در توسعه اقتصادی و تقویت بنیه نظامی جمهوری خلق چین مشارکت کردند. اما از همان ابتدا نیز وجود اختلافات همه‌ای به چشم می‌خورد که همدتا از گرایشات هژمونستی استالین از سویی و تمایلات ناسیونالیستی و عظمت طلبانه برخی از رهبران چین از سوی دیگر سرچشمه می‌گرفت. هر چند که پس از مرگ استالین حزب کمونیست اتحاد شوروی از حقوق و امتیازات خود در جمهوری صرف نظر کرد اما مائوتسه‌تونگ با

برنامه‌های بی‌پروای جهش بزرگ و کمونهای خلقی، اختلاف در نگرش به ساختمان سوسیالیسم و اشکال و متدهای توسعه اجتماعی را نمایان ساخت. علاوه روش جمهوری خلق چین در ارائه مدل انقلاب چین به مثابه اصل جهانشمول و صدور انقلاب به کشورهای زیر سلطه با استراتژی بین‌المللی اتحاد شوروی در تضاد قرار گرفت. هنگامی که مائو در مراسم جشن انقلاب اکتبر گفت که از جنگ اتمی هراس ندارد و در این جنگ گرچه نیمی از مردم جهان از بین می‌روند اما امپریالیسم نیز نابود خواهد شد و انسانها دوباره

رشد خواهند کرد، در واقع سیاست همزیستی مسالمت‌آمیز اتحاد شوروی را به سخره گرفت. در همین زمان، در شرایط پدیدار شدن بینوائی هضم پس از ناکامی جهش بزرگ در چین، شوروی ۱۳۹۵ مشاور، آکادمیسین و مهندس خود را از چین فراخواند و به این ترتیب صدها برنامه‌های همکاری متوقف شدند. دیگر اوضاع به وخامت گراییده بود و نمیشد انشعاب در اردوگاه سوسیالیستی کماکان در پرده نگه‌داشته شود. منازعه ایدئولوژیک میان مسکو و پکن سال به سال تشدید میشد. مائو خود را جانشین حقیقی لنین و پکن را مرکز کمونیسم جهانی می‌دید. خروشچف از شونیزم مائوئیست‌ها صحبت می‌کرد و مائو سیاست اصلاحات اتحاد شوروی را کمونیسم قلابی نام می‌گذاشت. اختلافات نظری به دشمنی و احساس نفرت بدل شد. مائو کشور خود را به گرداب انقلاب فرهنگی سوق داد و هواداران جوان و پرشور او برای جنگ با "سوسیال امپریالیسم" به مرزهای شمالی رهسپار شدند و سفارت شوروی به آتش کشیده شد. در آن زمان میان مردم شوروی این اضطراب وجود داشت که میلیون‌ها چینی قادرند با اشاره مائو حرکت کنند و خاک شوروی را در نورددند. مائو نیز این نگرانی را با ادعای تعلق ۳۰۰۰ کیلومتر از خاک شوروی به چین که حکومت تزاری از چین جدا

دیدار رهبران اتحاد شوروی و چین

کرده بود و در خواست انضمام خاک مغولستان به چین، تشدید میکرد. در مقابل چینی‌ها نیز نگران حمله تانکهای شوروی به خاک چین و بمباران اتمی و بمباران موسسات صنعتی خود بودند.

مرز ۷۵۰۰ کیلومتری چین و شوروی انباشته از واحدهای نظامی دوطرف گردید. بیش از ۵۰۰۰ برخورد نظامی بر شمرده شد. در بهار ۱۹۶۹ یک جنگ تمام هیار بر سر جزیره‌ای در رود مرزی اوسوری در گرفت. نفس در سینه‌های مردم دو کشور حبس شد. موشی‌مین رهبر انقلاب ویتنام

هنگامی که در بالین مرگ بود از کاسیگین خواست صلح را حفظ نماید. کاسیگین به هنگام بازگشت در پکن فرود آمد. او که اجازه خروج از فرودگاه را نیافت در همانجا با چوئن لای مذاکره کرد و دو طرف قرار آتش‌بس گذاردند. اما وخامت اوضاع از بین نرفت. در سالهای ۷۰ چهره سیاسی جهان تغییر کرد. آمریکا به تدریج مناسبات خود را با چین بهبود بخشید. ابتدا کیسینجر مخفیانه به چین هزیمت کرد و سپس نیکسون آشکارا به پکن رفت و جمهوری دمکراتیک خلق چین بالاخره جایگاه خود را در شورای امنیت سازمان ملل بدست آورد.

اما دشمنی با "خرس قطبی شمال" تداوم یافت. تنگ شیائو پینگ تلاش کرد یک جبهه واحد "ضدامپریالیستی" متشکل از همه کشورهای جهان و از جمله کشورهای غربی و ژاپن به استثنای آمریکا و تایوان علیه شوروی بسیج نماید. مبلقین چینی حتی خلق‌های اروپای شرقی را به مبارزه مسلحانه علیه "روسها" فراخواندند.

با آغاز دهه هفتاد رهبران شوروی تلاش کردند تا روابط دو کشور را هادی سازند. ورود ارتش شوروی به افغانستان مذاکرات مقدماتی را متوقف کرد. این مذاکرات از سال ۱۹۸۲ دوباره آغاز شد و منظم‌ا ادامه یافت. اما تنگ شیائو پینگ موانعی در راه گفتگوها قرار داد که در بدو

امر برای شوروی‌ها غیر قابل عبور به نظر می‌رسیدند: شوروی می‌بایست ۶۶ لشکر نظامی خود در مرزهای شمالی چین را انتقال دهد؛ موشکهای اس. اس ۲۰ را از آسیای شمالی برچیند؛ حمایت خود را از حضور نظامی ویتنام در کامبوج قطع کند؛ و فوراً از افغانستان خارج شود.

نمی‌توان پذیرفت که چین در این هنگام حقیقتاً خود را از سوی شوروی مورد تهدید می‌دیده است. تنگ شیائو پینگ که در سال ۱۹۶۳ به عنوان رئیس هیئت نمایندگی چین در مسکو علیه ریزیونیسم شوروی سخن گفته بود اکنون خود به لحاظ سیاست‌های اقتصادی و اصلاحی به نظرات عنوان شده در کنگره بیستم حزب کمونیست اتحاد شوروی نزدیک شده بود.

پس از روی کار آمدن میخائیل گارباچف چرخشی حاصل شد. لی‌پنگ برای شرکت در مراسم ختم چرنینکو به مسکو رفت. گارباچف دیرکل جدید حزب کمونیست شوروی در پیام تعینت حزب کمونیست چین با عنوان "رفیق" مورد خطاب قرار گرفت و شوروی دوباره یک کشور سوسیالیستی قلمداد شد.

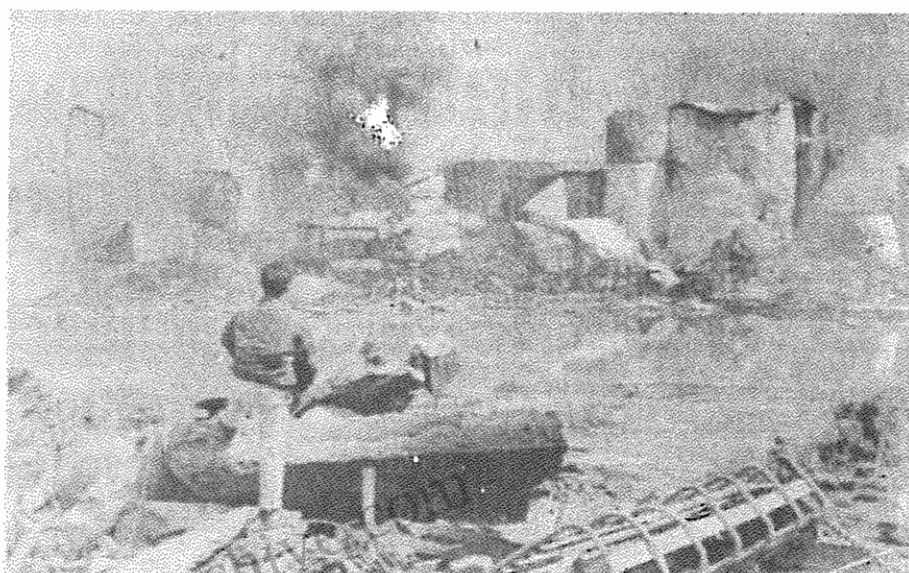
در ماه ژوئن گارباچف پیشنهاد مذاکره سران دو کشور را طرح کرد. او پیشنهاد کرد خط مرزی دو کشور همانطور که چینی‌ها همواره طلب میکردند خط وسط رود آمور و اوسوری تعیین شود. او گفت لشکریان شوروی در مغولستان بتدریج فزاونده خواهند شد و درباره طرح پروژه‌های مشترک اقتصادی صحبت نمود و تاکید کرد که مساله افغانستان و کامبوج نیز می‌تواند حل شود.

سپس قدم به قدم در جاده تشنج‌زدایی گام گذاشته شد. پیشگامان این راه دانشجویان، هنرمندان، جهانگردان و... بودند. قرار شد متخصصین شوروی ۱۵۰ کارخانه‌ای را که سابقاً ایجاد کرده بودند ترمیم و بازسازی کنند. اکنون فراخوانی واحدهای نظامی نیز در جریان کامل است. کتاب پرسترویکای گارباچف در چین به درس‌نامه آموزشی تبدیل شده است. هر دو کشور پی برده‌اند که از کاستیهای مشابه رنج می‌برند. هر دو در نظر دارند هتبه ماندگی فنی خود نسبت به غرب را جبران کنند. به این ترتیب اردوگاه سوسیالیستی وحدت خود را باز می‌یابد.

بیانیه مشترک اتحاد شوروی و آمریکا پیرامون لبنان

آن را مراعات کنند. این امر قدم بزرگی برای پایان دادن به جنگ داخلی در لبنان خواهد بود. اتحاد شوروی و آمریکا در این بیانیه از پیشنهاد جامعه کشورهای عرب مبنی بر استقرار آتش بس در لبنان و تلاش برای ایجاد جو تفاهم و آشتی ملی، حمایت کامل به عمل آورده‌اند.

تنها چند ساعت پس از اعلام آتش بس در بیروت در روز پنجشنبه ۱۱ آوریل، مجدداً تیراندازی‌ها آغاز گردید. وزیران خارجه آمریکا و اتحاد شوروی به این مناسبت بیانیه مشترکی در مسکو انتشار دادند. در این بیانیه از همه نیروهای درگیر خواسته شده است آتش بس را پذیرفته و



تصویری از ضربی مادی بیروت

اعتراض مردم و دولت ژاپن به آمریکا

ارتش آمریکا ۲۴ سال پیش یک بمب هیدروژنی با قدرت تخریب یک میلیون تی-ان-تی را در سواحل اوکیناوا در ژاپن گم کرده است. مجله "نیوزویک" که پرده از این امر برداشت، می‌نویسد:

این بمب هیدروژنی در روز ۵ دسامبر ۱۹۴۵ از هر شه ناو هواپیما بر تیکوندر وگا که در سواحل ژاپن پرسه می‌زد، به داخل آب افتاده است. دولت آمریکا این امر را مسکوت گذارده، دولت ژاپن را در جریان واقعه قرار نداده است. دولت ژاپن پیرامون این امر به آمریکا اعتراض کرد. بیش از ۵ هزار نفر از اهالی منطقه اوکیناوا نسبت به تهدید هسته‌ای محل زندگی خود دست به راه پیمایی زدند.

تقلب در انتخابات پاراگوئه

همانطور که در شماره گذشته گزارش کردیم، در انتخابات برگزار شده در روز اول ماه مه تقلب‌های وسیعی صورت گرفته است. این امر توسط اپوزیسیون در پاراگوئه اعلام شد. به هنگام شمارش آراء، تعداد آراء ۵۶ هزار عدد بیش از تعداد رای دهندگان ثبت شده در لیست‌ها بوده است. این به معنای افزایش بیش از ۲۷ درصد است. نیروهای اپوزیسیون اعلام کردند که به نام مردگان و یا تحت یک نام دویا سه بار رای داده شده است. بر اساس این انتخابات حزب دست راستی حاکم کلرادو ۷۴/۵ درصد آرا را به خود اختصاص داده است.

۱۵/۲ میلیون بیکار در بازار مشترک اروپا

بنا به آمار منتشر شده از سوی اداره آمار اروپا واقع در بروکسل، ۱۵/۲ میلیون انسان در دوازده کشور عضو بازار مشترک اروپا به عنوان بیکار ثبت شده‌اند. این رقم ۹/۴ درصد جمعیت این کشورهاست. در این آمار بیکاری پنهان و شافل نیمه وقت و کوتاه مدت در نظر گرفته نشده‌اند. بر این اساس معمولاً آمار واقعی بیکاری بالاتر از رقم رسمی اعلام شده تخمین زده می‌شود.

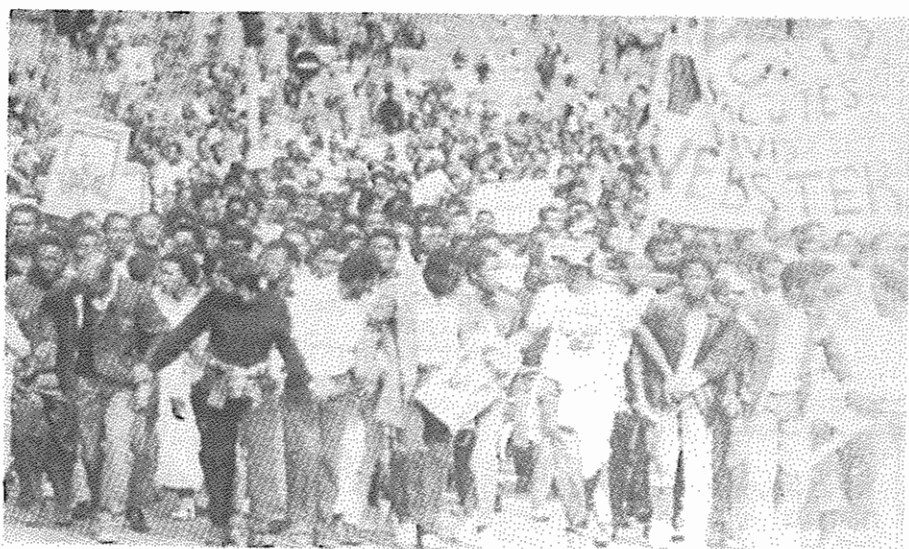
ترور رهبر دانشجویان در کره جنوبی

جسد ری چول کیو، رهبر دانشجویان مخالف رژیم کره جنوبی، چند روز پیش در سدی در نزدیکی شهر کوانگ‌جو پیدا شد. بر اساس مشاهدات دانشجویان آثار زخم‌های همیتی بر پیکر او مشهود بوده است. روزنامه‌های کره جنوبی پیرامون این جنایت گزارش‌هایی تهیه کردند.

وداع بادانیل وبستر

رسید، به راه پیمایی پرداختند. رژیم نژادپرست آفریقای جنوبی با وجود اعلام وضع فوق العاده جرات ممنوع کردن راه پیمایی را نیافت.

هزاران نفر از سیاه‌پوستان و سفیدپوستان در روز شنبه ۶ ماه مه در خیابان‌های ژوهانسبورگ برای تشییع جنازه دانیل وبستر، مبارز سفیدپوستی که توسط نژادپرستان به قتل



دیدار رهبران اتحاد شوروی و چین

۱۰ سال قبل پیش‌بینی این امر که روابط دو کشور به این سرهت روه به بهبود رود، بسیار دور از ذهن بود. تنگ‌شیاو پینگ ۱۲ سال قبل گفته بود که نه او و نه حتی رهبرانی که ۲۰ سال از او جوان‌ترند مرکز شاهد زنده آشتی با شوروی نخواهند بود. اما تاریخ با گامهای طوفانی به پیش رفت و چند روز دیگر تنگ‌شیاو پینگ که اکنون ۸۴ ساله است با میخائیل گارباچف دست دوستی خواهد داد.

شوارنادزه وزیر امور خارجه شوروی این دیدار را نشانه درهم ریختن همیق دیوارهای موجود در سیاست خارجی دو کشور خواند.

تاریخ هفتادساله روابط چین و شوروی مملو از نقاط عطف تاریخی و تصادمات فم انگیز و تبلیغات دشمنانه شدید و اما نیز دوستی و رفاقت برادرانه است.

بقیه در صفحه ۱۰

میخائیل گارباچف در هفته جاری به پکن سفر خواهد کرد و با تنگ‌شیاو پینگ و سایر مقامات چین به گفتگو خواهد پرداخت.

این نخستین دیدار سران دو کشور شوروی و چین در ۳۰ سال اخیر است. یک سخنگوی وزارت امور خارجه چین توضیح داد که قرار است در مذاکرات میان گارباچف و مقامات چینی مباحثه‌ای دقیق و همه جانبه پیرامون مسائل متعددی صورت گیرد که شامل هادی سازی روابط میان دو کشور، مسئله کامبوج و نکات دیگر خواهد بود.

این دیدار پس از ده سال فراز و نشیب در روابط دو کشور از آن جهت که نشانه چرخشی در راستای حل و فصل مسائل فی‌مابین می‌باشد، از اهمیت تاریخی بزرگی برخوردار است.

"قایق‌های توپدار" بوش در پاناما

برای انتخابات تعیین کرده بود. سه حزب راست اپوزیسیون در ائتلافی تحت عنوان ADOC متشکل شده بودند. دولت آمریکا صد میلیون دلار برای مبارزه انتخاباتی در اختیار ائتلاف اپوزیسیون قرار داد.

تحولات در روزهای اخیر در پاناما توجه افکار عمومی جهان را به خود جلب کرده است. دولت آمریکا حدود ۲ هزار سرباز به نیروی نظامی ده هزار نفره آمریکایی مستقر در پاناما افزوده است. کمیته ملی انتخابات، این



چند ساعت قبل از شروع انتخابات، مانوئل سولیس پالما، رئیس جمهور پاناما، آمریکا را به تهاجم سیاسی، اقتصادی و اجتماعی علیه پاناما متهم ساخت. او گفت: "آمریکا در تدارک تهاجم نظامی به پاناما است... موجودیت کشور در خطر است." دولت آمریکا از روزها قبل از انتخابات مدعی طراحی تقلب به نفع "ائتلاف رهایی ملی" حاکم شده بود.

یک دیپلمات پانامایی به خبرنگار خبرگزاری آلمان گفت: "دولت آمریکا آشکارا اپوزیسیون را مورد حمایت قرار می‌دهد و تلاش می‌کند ژنرال توریه‌گارا (که خواستار بازپسگیری کانال پاناما بر اساس قرارداد ۱۹۷۷ است) سرنگون کند." یکی از ناظران انتخابات به خبرنگار نامبرده گفته است: "آمریکایی‌ها از دیکراسی سخن می‌گویند، ولی آنچه آنها در واقع می‌خواهند، مستعمره‌ای در حاشیه کانال است."

پس از برگزاری انتخابات نتایج شمارشهای یک پنجم از آراء، روز دوشنبه ۸ ماه مه اعلام شد. بر این اساس "ائتلاف رهایی ملی" ۵۰/۸ درصد و ائتلاف اپوزیسیون ۴۴/۶ درصد آراء به خود اختصاص دادند. از این روز به بعد درگیری‌های شدید میان طرفداران دو جبهه آغاز شد. در بقیه در صفحه ۷

انتخابات را بی‌اعتبار اعلام کرده است. نیروهای نظامی کشور به حالت آمادگی باش نظامی درآمده‌اند. اکنون محافل سیاسی جهان و بویژه کشورهای آمریکایی لاتین با نگرانی به پاناما می‌نگرند. نگاهی به روند تحولات در هفته‌های اخیر می‌اندازیم:

پاناما در منطقه سوق‌الجیشی بسیار مهمی قرار دارد. کانال پاناما که اتیانوس اطلس را به اقیانوس آرام وصل می‌کند، از مناطق پررفت و آمد کشتیرانی و تجارت است. اهمیت نظامی چنین منطقه‌ای همواره مورد توجه دولت آمریکا بوده است. آمریکادر طی سالهای طولانی ده هزار سرباز در پایگاه‌های نظامی واقع در پاناما مستقر کرده است. در سال ۱۹۷۷ قراردادی میان پاناما و آمریکا به امضاء رسید که بر اساس آن باید تا سال ۲۰۰۰ اداره کانال پاناما که در حال حاضر در اختیار دولت آمریکاست، به پاناما منتقل شود. از سال ۱۹۹۰ رئیس اداره کانال پاناما یک پانامایی خواهد بود. توجه به این قرارداد برای درک درگیری‌ها در پاناما و سیاست دولت آمریکا دارای اهمیت ویژه‌ای است.

دولت کنونی پاناما که در دست "ائتلاف رهایی ملی" (COLINA) متشکل از ۸ حزب است، روز یکشنبه هفتم ماه مه را

برای اشتراك نشریات «کار» و «اکثریت» در خارج از کشور فرم زیر را پر کرده و همراه با معادل بهای اشتراك، تمبر پستی و یارسید بانکی برداخت بهای اشتراك به آدرس نشریه ارسال نمایید:

دیگر نقاط	اروپا	بهای اشتراك	نشریه «کار»
۱۳ مارك	۱۱ مارك	☐ شش ماهه	☐ يك ساله
۲۴	۲۱		

دیگر نقاط	اروپا	بهای اشتراك	نشریه «اکثریت»
۳۰ مارك	۲۷ مارك	☐ سه ماهه	☐ شش ماهه
۵۸	۵۲	☐ يك ساله	
۱۱۵	۱۰۲		

آدرس کامل (لطفاً خوانا بنویسید)

AKSARIYAT
NO. 257
MONDAY, 15 MAY 89

حساب بانکی
AUSTRIA .WIEN
BAWAQ
(BANK FÜR ARBEIT UND WIRTSCHAFT)
NR. 02910701.650
DR. GERTRAUD ARTNER

آدرس:
Address:
RUZBEH
POSTFACH 1810
5100 AACHEN
W. GERMANY

با جمع آوری کمک مالی
فدائیان خلق را در انجام
وظایف انقلابی
یاری دهید